

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

مصاحبه کننده : پیکار پامیر
– تورنتو

گفت و شنید اختصاصی با آقای "میا آرین" جوان تحصیلکرده و زحمت کش جامعه افغانی در تورنتو

درآمد : آقای میاجان آرین ، یکی از جوانان مستعد، پرکار، تحصیل کرده ، مؤسس و گرداننده (کنیدین آل کی یر کالج) در شهر تورنتو میباشد . موصوف همان طور که اولین مؤسس کالج رسمی میباشد ، اولین جوانی است که در سالهای دهه نود، حین ادامه تحصیلات در دانشگاه تورنتو ، با همکاری عده ای دیگر از محصلان افغان ، انجمن جوانان دانشگاهی را تاسیس نموده و یکسلسله فعالیت های مفید فرهنگی را به راه انداخت . به منظور آنکه از یکطرف این چهره فعال و مبتکر جامعه افغانی را معرفی نموده باشیم و از سوی دیگر خواننده گان گرامی پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نیز با کارکرد های ایشان آشنایی بیشتر حاصل نمایند، خواستیم با آقای "آرین" گفت و شنید مختصری داشته باشیم که اینک تقدیم میگردد :

پس از تعارفات . . .

سؤال : محترم میاجان آرین ! بهترخواهد بود خودتان را به خواننده های ارجمند ما معرفی کنید ؟

جواب : اسم من (میاجان آرین) است و از مدت بیست سال بدینسو در کانادا زنده گی میکنم. من در ماه جون سال 1989م از هندوستان به کانادا آمدم. از نظر درسی باید بگویم که در افغانستان ، از لیسه ی نادریه فارغ شده و به فاکولته طب پوهنتون کابل شامل شدم . دو سال را در پاکستان و دو سال را هم در هندوستان به حیث مهاجر سپری کردم. در جریان دوسالی که در هندوستان بودم، در چارچوب اداره سازمان ملل زبان انگلیسی را برای مهاجران تدریس میکردم و در عین حال ، از طریق ترجمانی در دفترملل و سفارتخانه های خارجی در خدمت هموطنان عزیزم بودم . در سال 1988 م از من دعوت به عمل آمد تا به حیث ترجمان زبان دری در سفارت کانادا مقیم دهلی مشغول کار شوم که از این ناحیه ، برای تعداد زیادی از هموطنان گرامی مصدرخدمت شدم و بعدا، خودم هم به کانادا آمدم . در روز های نخست پس از ورود به کانادا ، نمیدانستم چه اشتغالی را انتخاب نمایم ، درحالیکه نمی خواستم اندوخته های درسی ام را از کف بدهم . بنابراین ، به دانشگاه تورنتو مراجعه کرده به اساس تعامل دانشگاه مذکور ، مجددا شامل فاکولته شده بازهم چهار سال راجع به فزیولوژی انسان درس خواندم . بعدا با تداوم درس ها ، در بخش تحصیلات عالی طبی ، سند

ماستری را در سال 1998 م حاصل کردم. در سالهای بعدی، در عین حالیکه مصروف تدریس در مراجع مختلف آموزشی بودم، بعضی کورسهای ضروری دیگر را نیز سپری کردم. مثلاً، به خاطر آنکه درآمدی به اشتغال رسمی مورد نظر باشد، یک کورس سه ماهه ی (هلت کی یر) را نیز انجام دادم. باید علاوه نمایم که در مدت شش سالی که درس میخواندم، در یکی از (نرسنگ هوم) های شهر کار نیز میکردم، کاردر (نرسنگ هوم) از نظر مالی امکان خوبی بود غرض پیشبرد امور درسی ام. اولین وظیفه ی تدریسی من در (اکادمی آف لرننگ) راجع به (پرسونل سپورت ورکر) بود. در سایر کالج ها مانند (نشنل کالج آف هلتن بزنس)، (کیندین بزنس کالج)، (سی جی هلت کی یر سپورت کالج) و همچنان مدت سه سال به حیث مشاور در امور تحصیلی بعضی از (نرسنگ هوم) ها نیز کار کرده ام. در (سنترپارک لاجز) و (کیندی لانچ نرسنگ هوم) نیز به حیث (ستاف ایجوکیتر) اشتغال داشته ام. مدتی را در (سنتینیل کالج) هم مسایل نرسنگ را تدریس کرده ام.

سؤال: چه زمانی اقدام به تاسیس کالج کردید؟

جواب: پس از چند سال تحصیل و کار، به این نتیجه رسیدم که باید از خودم کالج داشته باشم تا بتوانم از آن طریق نظرات و تجربیاتی را که به دست آورده بودم به وجه بهتری که دلم میخواهد پیاده نمایم، یعنی ابتکاراتی را در چهارچوب مواد درسی یک کالج انجام دهم. بنابراین، در ماه مارچ سال 2003 برای اولین بار همین کالج را تنها با یک پروگرام (پرسونل سپورت ورکر) تاسیس کردم و زیاد هم از نظر اقتصادی نمیدانستم که آینده این کالج چه خواهد شد. ولی، به مرور زمان، در نتیجه توجّهات زیادی که در سیستم درسی و پرورش استعداد های شاگردان به خرج دادم، شاگردان زیادی به ما مراجعه کردند، چنانکه همین اکنون کالج ما دارای هفت پروگرام میباشد. شصت در صد شاگردان ما کسانی هستند که به اثر خوشبینی، تشویق و تذکر شاگردان قبلی به ما مراجعه کرده اند.

سؤال: ممکن است از سایر پروگرام های تان نام ببرید؟

جواب: بلی، علاوه از پرسونل سپورت ورکر، ما کلاسهای مدیکل آفیسرمنستریشن (سکرتربی)، کمپیوتر ایجوکیشن آف اکوننتنگ (آموزش کمپیوتر برای حسابداری)، لاکلرک (سکرتدفاتر حقوقی)، کی یرچایلد سیستم (سیستم اداره ی کودکانها)، فارمسی تکنیسین پروگرام (کارمند فنی دواخانه ها)، پارا لیگل و نیز اتومکانیک (تخنیک موتر) و بنک تلر (کارمند بانک) داریم.

سؤال: آیا این اولین کالاجی خواهد بود که به وسیله ی یک جوان افغان در تورنتو تاسیس میشود؟

جواب: من از سایر شهر ها و ایالات کانادا اطلاع ندارم، مگر در شهر تورنتو و در میان ده ها کالج آن، تا جایی که میدانم این اولین اقدام از جانب یک افغان است.

سؤال: همین اکنون چه تعداد شاگرد دارید؟

جواب: ما در این کالج صنوف کوچکتر داریم و در هر صنف از هشت تا ده شاگرد می نشینند. این متود کار، نسبت به کالج های بزرگ یک مزیت است، زیرا شاگرد میتواند در یک صنف کوچکتر و با شاگردان محدود تر درس آموزی بهتر و آسوده تری داشته باشد و ما هم همین میتود را حفظ کرده ایم. کالج ما در هر سال به صورت کل حدود سه صد فارغ التحصیل تقدیم جامعه میکند.

سؤال: چه تعداد شاگرد از میان افغانها دارید؟

جواب: متأسفانه تعداد شان انگشت شمار است.

سؤال: دلیل چیست؟

جواب : شاید عمدتا دو دلیل داشته باشد : اول اینکه جوانان افغان میخواهند روی مجبوریت های مالی و مسؤولیت های خانوادگی تنها کار کنند و دوم اینکه ممکن است اصلا متوجه چنین ضرورتی نشده باشند. مثلا ، تعدادی از افغانها را میشناسم که عین موقفی را دارند که بیست سال قبل داشتند. بعضی از هموطنان ما شاید شامل برنامه کمکهای دولتی بوده و به همین دلیل ، جرأت نمیکند به سوی درس و تحصیل بیشتر رو آورند . در سالهایی که در دانشگاه تورنتو مشغول تحصیل بودم ، خوشبختانه چند جوان افغان را یافتم که در آن کانون درس میخواندند و من با اغتنام فرصت آنها را گرد آورده انجمن محصلین را ایجاد کردیم . ایجاد انجمن ، همکاری هایش با تازه واردین به دانشگاه و فعالیت های فرهنگی آن نه تنها برای من ، بلکه برای همه اعضای انجمن مفید و آموزاننده بود. در مدت دو یا سه سالیکه من مسؤولیت ریاست انجمن مذکور را به عهده داشتم ، خوشبختانه با شخصیت های علمی ، فرهنگی و هنری جامعه افغانی آشنا شدم و آنها از هیچ گونه همکاری با انجمن دریغ نکردند. بهرحال، من ظرف سال هایی که مسؤولیت کالج را دارم ، متاسفانه کدام پیشرفت به خصوصی در بخش جوانان افغان در چهار چوب تحصیلی آن ندیده ام . شاید دلیل سومی این باشد که جوانان افغان ما هنوز اطلاعات کافی در مورد کالج ما نداشته باشند.

سؤال: من تصور میکنم یکی از دلایل دیگر این باشد که جوانان عزیز ما وقتی میخواهند به دانشگاه و کالج ثبت نام نمایند ، از شرایط خاص و امتحان " تافل " آن می هراسند که این همان نا رسایی های زبانی را میرساند . آیا در این بخش هم اقداماتی خواهید داشت ؟ منظورم گشایش صنوف آموزشی زبان انگلیسی در همان سطح لازم و مورد نیاز جوانان ماست .

جواب: سوال خوبی است . من هم چنین تصور میکنم که تعداد زیاد جوانان ما علاقه مند تحصیل و پیشرفت هستند ، ولی نمی فهمند چطور و از کجا شروع کنند. به همین دلیل ، من در این اواخر یک سلسله همکاری ها را با بعضی از میدیای افغانی آغاز کرده ام تا بتوانم از این ناحیه با شرح و توضیح موضوعات و پاسخ به سوالها خدمتی را انجام دهم . اگر کسی خواه مخواه از امتحان تافل و یا شرایط خاص دانشگاهی نگران باشد ، راه های دیگری هم برای درس خواندن و ترقی کردن با استفاده از زمان کوتاهتر و مصارف کمتر وجود دارد. مثلا، میتوانند راه های میان بر غرض رسیدن به یک مرحله ی کاری بهتر را با سپری نمودن دوره های ششماهه یا یکساله و با اخذ پول قرضه از منابع رسمی و غیره ببمایند.

سؤال : میتوانید چند مثال دیگر هم در چهارچوب کالج خودتان بدهید ؟

جواب : ما ، در کنار سایر کورسها ، کورس (پرسونل سپورت ورکر) داریم که فارغان آن به مثابه ی معاون نرس یا مدد گار کسانی کار میکنند که مشکلات صحتی دارند. شرایط شمولیت به این کورس داشتن دپلومه ایسه عالی و سپری کردن موفقانه یک امتحان ساده ی انگلیسی است . امتحان زبان برای آنست که مطمئن شویم شخص متقاضی میتواند حد اقل ضرورت های زبانی را رفع نماید . گذشته از آن ما میتوانیم شاگرد را از ناحیه زبان کمک کنیم . مدت ششماه دوره این کورس شامل مراحل آموزش نظری و عملی میباشد. وقتی فارغ این کورس شروع به کار نماید ، پایین ترین حد حقوق وی پانزده دالر در ساعت خواهد بود .

سؤال: هنوز هم هستند جوانان یا خانواده هایی که نمیدانند مصارف دوران تحصیل را چگونه و از کدام منبع به دست آورند، شما با چنین افراد چه کرده میتوانید ؟

جواب : دولت کانادا در هر سال یک مقدار پول کافی را به همین منظور تخصیص میدهد تا به عنوان قرضه با ربح پایین در اختیار مشتاقان تحصیل بگذارد. افراد کمیونیتی هایی که بلد هستند ، ازین تخصیص استفاده اعظمی مینمایند . درحقیقت ، سه راه و طریقه غرض مصارف تحصیلی وجود دارد : اول، طریقه ی شخصی است که شخص میتواند از

بودجه فردی و فامیلی خویش مصارف تحصیلی اش را تکافو نماید. دوم، شخص میتواند به گونه نیمه وقت کار کند و با به دست آوردن یکمقدار پول ضروری ازین ناحیه، به تحصیل ادامه دهد و سوم، شخص میتواند (اوسپ) بگیرد که همان تخصیص پولی دولت است و فرد قرضه گیرنده میتواند هرزمانی OSAP که شروع بکار نماید، پول مذکور را به اقساط بر گرداند. البته این قرضه برای شاگردانی منظور میشود که عاید دیگری نداشته باشد. یکی از امکانات دیگر اینست که اگر شخص کار خود را از دست داده و در چها چوب پروگرام HRDC یا بیمه بیکاری باشد، میتواند از بودجه خاص پروگرام مذکور غرض تحصیل رشته مورد نظر خویش استفاده نماید. این بودجه برای آنست که شخص بتواند با تعقیب یک رشته دیگر تحصیلی، خودش را آماده کار دیگر بسازد. این نکته هم قابل تذکر است که درانتاریو، علاوه از کالج های بزرگ، تقریباً پنجمصد کالج شخصی وجود دارد. شاگرد در موقع ثبت نام باید مطمئن باشد که کالج مورد نظرش دارای لایسنس دولتی باشد. و در اخیر باید گفت که حتا بانکها هم یک نوع قرضه تحصیلی دارند که برای شخص مستحق پرداخته شده و ربح خیلی پایین دارد. مشتاقان تحصیل میتوانند از آن نیز استفاده نمایند.

سؤال: آیا به اساس تجارب و اندوخته های کاری تان، علاوه از کورسهای که همین اکنون دارید، تدویر کورسهای دیگری را هم مد نظر خواهید داشت؟

جواب: ما، در قبال کورسهای که در چهارچوب کالج داریم، احساس مسؤولیت هم داریم. مثلاً، سعی ما اینست که فارغان ما حتماً مشغول به کار شوند. چنانکه تا کنون 95 در صد فارغان کالج ما خوشبختانه کار یافته و مشغول به کار شده اند. این، به این معناست که ما اندیشیده ایم که چه نوع کورسهای داشته باشیم. تدویر دو کورس دیگر را هم مدنظر دارم که برای اشخاص تحصیل کرده و به خصوص برای آنانی مفید خواهد بود که در کشور شان داکتر بر حال بوده و امروز در کانادا عین کار قبلی شان را ندارند. این کورس بنام (اولترا سوند) یا (سونوگرافی تکنیسین) یا معاینات طبابتی داخلی انسان است. این وظیفه برای کسانی که قبلاً فاکولته را تمام کرده سند لیسانس دارند و یا داکتر طب بوده اند، خیلی آبرومندانه خواهد بود، چون فارغ این کورس در ساحه طبابتی و در تماس با سایر داکتران مشغول به کار خواهند بود. حقوق اولی این وظیفه سی تا چهل دالر در ساعت خواهد بود.

سؤال: شما با وجود آنکه سابقه کار و فعالیت فرهنگی میان جوانان و کمیونیتی افغانی دارید، حضور تان در جمع ها و گردهمایی های هم میهنان ما در تورنتو بسیار کم رنگ شده، چرا؟

جواب: حق با شماست. زمانیکه در دانشگاه تورنتو بودم، به اثر تشویق قلم به دستان و فرهنگیان عزیز ما آموزشهای خوبی داشتم. چون من دیگر مصروفیت های دایمی دارم، امید که جوانان دیگر بالنوبه در این زمینه ها ادای دین نمایند. باز هم، در این اواخر مطالبی می نویسم و با نشرات افغانی در تماس هستم، بعضی از انجمن ها لطفی کرده مرا دعوت به همکاری نموده اند که امیدوارم بتوانم در آینده، بیشتر ازین فعال باشم.

سؤال: در این مورد باید بگویم که صفحات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" برای نشر مطالب تخصصی تان آماده خواهد بود.

جواب: متشکرم. من هم سعی خواهم نمود هرچه وسیع تر در خدمت کمیونیتی افغانی خویش باشم.

سؤال: در اخیر این گفت و شنید، چه تذکر و گفتنی خاصی برای نسل جوان ما دارید؟

جواب: پیام من، مخصوصاً برای جوانان اینست که از کلیه امکانات خوب و مثبت این سر زمین غرض پیروزی و پیشرفت های زنده گی آینده ی شان استفاده اعظمی نمایند. وقتی به کدام مغازه مثلاً بیزه فروشی داخل میشوم، می بینم که چندین جوان افغان با کمترین حقوق مادی در آن مشغول به کار اند، عمیقاً متأثر میشوم، در عین حالیکه مجبور بت های شان را درک میکنم، به خاطر آینده ی شان نگران می شوم. همینجا ست که شدیداً آرزو میکنم تا این جوانان

عزیزبالاخره با تلاشهای شبا روزی و هشیارانه شان راه را به سوی تحصیلات عالی تر و مراحل بلند تر ببیمایند.
چون جوینده یابنده است و هیچ مشکلی نیست که در اثر سعی انسان آسان نشود.
از ارایه ی توضیحات مفید تان متشکرم . (پایان)